

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

«جغرافیای اجتماعی شهری»

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی**(مطالعه موردی: محله اسلام آباد تهران)^۱**دکتر احمد پورا احمد^۲

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ابراهیم عمو

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد حاجیان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اصغر رئوفی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

بهبود کیفیت زندگی در یک مکان خاص یا برای اشخاص و گروه‌های خاص همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است. در واقع بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه می‌باشد. در سال‌های اخیر مطالعات پیرامون کیفیت زندگی به طور عمده بر ماهیت شهری تمرکز کرده و بحث بر روی کیفیت زندگی شهری در میان تحقیقات و مطالعات تجربی رواج یافته است. امروزه با افزایش مهاجران به شهرهای بزرگ جهت دستیابی به شغل و وضعیت بهتر اقتصادی و به دلیل عدم توانایی اسکان در بخش‌های رسمی شهری به قسمت‌های حاشیه‌ای شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی متوسل می‌شوند. در این قسمت از شهرها زیرساخت‌های لازم شهری فراهم نبوده و ساکنان این مناطق از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار نیستند این مشکل در کلان‌شهر تهران هم در محلات مختلف وجود دارد؛ بنابراین، ضروری است در این سکونتگاه‌ها میزان رضایت از کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین عوامل نارضایتی شناسایی شده و برای برطرف کردن این موارد اقدام گردد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و رگرسیون چند خطی بهره برده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین نارضایتی از عوامل اقتصادی و امنیتی در محله مورد نظر می‌باشد؛ همچنین، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که عوامل کالبدی و خدمات و دسترسی بیشترین تأثیر ذهنی را بر کیفیت زندگی می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، سکونتگاه غیررسمی، سنجش، اسلام آباد.

^۱ - صفحات: ۲۲-۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۳

DOI: 10.22103/JUSG.2018.1950

apoura@ut.ac.ir

^۲ - نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

مقدمه

رشد مراکز شهری در سراسر جهان نگرانی‌های عمده‌ای برای طراحان، معماران و برنامه‌ریزان محیط زیست ایجاد می‌کند (سویینکا، ۲۰۱۷). محققان و برنامه‌ریزان در سراسر جهان نیاز به یک برنامه‌ریزی بهتر در جهان شهرسازی تاکید کرده‌اند. با گسترش مناطق شهری دسترسی مردم به امکانات مدرن و زیرساخت‌های شهری افزایش یافته است اما کاهش کیفیت زندگی به علت عدم تعادل اجتماعی مشخصه شهرهای بزرگ است (الکساندرو و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال میزان شهرنشینی که طی چند دهه گذشته بسیار شدید بوده است فقر شهری را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تشدید می‌کند (وستاوا، ۲۰۰۶: ۱۷۶).

کیفیت زندگی از موضوعاتی است که امروزه در مطالعات شهری، از منظر علوم مختلف از جمله جغرافیای شهری، شهرسازی، علوم اجتماعی، روانشناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و... مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت زندگی برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی است. امروزه کیفیت زندگی هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌هاست که توسط اندیشمندان و برنامه‌ریزان تهیه می‌شود (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع کیفیت زندگی در محله‌های فقیرنشین و سکونتگاه‌های غیررسمی بسیاری از شهرهای در حال توسعه جهان برای شهروندان، سیاستمداران، سیاستگذاران و سازمان ملل متحد نگرانی‌های جدی ایجاد کرده است و تصمیم سازمان ملل برای مقابله با این موضوع به ۱۱ هدف منجر شده است که هدف آن دستیابی به بهبود کیفیت زندگی صد میلیون زاغه نشین تا سال ۲۰۲۰ است (ماجاله، ۲۰۰۸: ۲۷۲). مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری، حداقل در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی به کار گرفته می‌شود مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت شهر داشته باشند. در واقع، در این مرحله، برنامه‌ریزان در پی آناند تا به طور ویژه، به اولویت‌ها و مسائل مهمتر توجه کنند که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری، راهنمای مناسبی برای آنها در این مرحله است. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها

باید ارزیابی شوند تا سودمندی و کارایی آنها تأیید شود. در این مرحله نیز بررسی آثاری که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی دارند، راهنمایی مناسب برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران است؛ در واقع، برنامه‌ها و پروژه‌هایی، سودمندی و کارایی دارد که در نهایت، به افزایش کیفیت زندگی شهری منجر شود و به ویژه بعضی ابعاد آن را که برنامه‌ریزان شهری بیشتر به آن توجه می‌کنند ارتقا دهد (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۹ - ۶۸). از آنجایی که سکونتگاه‌های غیررسمی با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه‌اند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند و گاهاً موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند: پوچی و بی‌ارزشی، بی‌هویتی، حقارت، سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساساتی مانند خشم می‌گردد و خود می‌تواند یکی از عوامل اصلی بروز انواع بزهکاری‌هایی از جمله؛ اعتیاد، برخوردهای فیزیکی و سرقت شود (بیوکی و پورغلام، ۱۳۹۳). سکونتگاه‌های غیررسمی مشکل شایع و جدی در کشورهای جهان سوم است (ناسار، ۲۰۱۷).

با توجه به نقش پررنگ سکونتگاه‌های غیررسمی در برنامه‌ریزی‌های امنیتی، زیباسازی و کاهش جرم و جنایات و... توجه به کیفیت زندگی و ارتقای آن باید مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری باشد. اسکان غیررسمی، به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می‌گردد (صادقی و دویران، ۱۳۹۱). بهبود کیفیت زندگی در یک مکان خاص و یا برای اشخاص و گروه‌های خاص همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است. در واقع بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه می‌باشد.

در سال‌های اخیر مطالعات پیرامون کیفیت زندگی به طور عمده بر ماهیت شهری تمرکز کرده و بحث بر روی کیفیت زندگی شهری در میان تحقیقات و مطالعات تجربی رواج یافته است. بدون شک تمایل جمعیت در سرتاسر جهان برای تمرکز یافتن در

شهرها، یکی از دلایل اصلی تقویت این جریان مستقل در تحقیقات بر روی کیفیت زندگی می‌باشد (لطفی، ۱۳۸۸). در همین راستا مارگارت استوای (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جغرافیایی رضایت شخصی و محیطی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی جنوب آفریقا» هدف خود را از این مطالعه تعیین تأثیرات زمان و گروه بر رضایت از جنبه‌های محیطی و شخصی کیفیت زندگی و نیز تعیین عوامل شخصی و محیطی از رضایت زندگی و محله بیان می‌کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رضایت از مسائل بهداشتی و سلامت به ترتیب ۶۶ درصد در سال ۱۹۹۹، ۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱، ۲۴ درصد در سال ۲۰۰۲ و نیز رضایت از مسکن ۲۴ درصد در سال ۱۹۹۹، ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۰، ۲۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به‌دست آمد. نتایج حاکی از آن است که رضایت از مسکن مهم‌ترین جنبه رضایتمندی محله است. همچنین دان دارکی و جوهن ویساجی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «چیزهایی که بیشتر تغییر می‌کنند آنها باقی می‌مانند» مطالعه کیفیت زندگی در شهر غیررسمی در تشوانی با نظرسنجی از ۹۰ خانوار در مورد نگرش‌ها و ادراکات در مورد کیفیت زندگی و خدمات عمومی به این نتیجه رسیدند که تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان از خدمات دولت برای رفاه فقرا راضی بودند و بسیاری از آنها از کارکنان دولت و نخبگان سیاسی ناراضی بودند بیشترین نارضایتی‌ها به ترتیب دسترسی به برق با ۹۳ درصد، مسکن با ۹۰ درصد، جمع‌آوری زباله با ۷۶ درصد و در نهایت بیکاری با ۴۲ درصد را به خود اختصاص داده است.

چام هوری و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «چارچوب مفهومی مشارکت مردمی در تأمین کیفیت زندگی فقرای شهری در مالزی» معتقدند کیفیت زندگی و فقر شهری یک میدان در حال رشد تحقیقات است که نمی‌تواند از هم جدا باشد. این طور به‌نظر می‌رسد که کیفیت زندگی مورد توجه و علاقه بسیاری از احزاب، مدیران و برنامه‌ریزان شهری است و کیفیت زندگی نیاز به تلاش‌های بی‌پایان دارد با این حال، تلاش برای بهبود درک در مورد کیفیت زندگی نباید محدود باشد که عبارتند از: مشارکت عمومی در حصول اطمینان از کیفیت زندگی در میان افراد فقیر شهری است. رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «توسعه و سنجش

شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد» که بر اساس شاخص‌های عینی و ذهنی صورت گرفته است، نتیجه‌گیری می‌کنند که کیفیت زندگی در شهر نورآباد یکی از چهار حالت بهزیستی، محرومیت، ناهماهنگی و انطباق را برای هر کدام از خانوارهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی، ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند در حالی که ۲۴/۴ درصد آنها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته‌اند. همچنین خواجه شکوهی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مورد ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی و تأثیر آن بر مشارکت شهروندان در امور شهری نتیجه‌گیری می‌کنند که با توجه به کیفیت پایین محیط و زندگی در شهر مینودشت که این امر خود بر رفتار اجتماعی شهروندان، به خصوص بر مشارکت در امور شهری تأثیر داشته است و آن را تحت شعاع قرار می‌دهد، لزوم ارتقاء کیفیت محیط و زندگی در شهر احساس می‌شود؛ همچنین، افزایش سطح کیفیت محیط و زندگی در شهر، حس تعلق و مسئولیت نسبت به محیط زندگی را افزایش داده و در نتیجه شهروندان، در توسعه پایدار شهری، مشارکت خودجوش و فعالی را برقرار می‌کنند. در پژوهشی دیگر پوراحمد و زارعی (۱۳۹۴) ضمن سنجش کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده شهری نتیجه می‌گیرند که رضایت از کیفیت زندگی شهری در منطقه ۹ شهرداری تهران معنادار است و از رضایت کافی برخوردار نمی‌باشد و منجر به رد فرضیه H می‌شود. فقط در عامل زیرساخت‌های شهری تقریباً قابل قبول می‌باشد.

به طور کلی کیفیت زندگی و میزان رضایت‌مندی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری کمتر مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است و معمولاً این سکونتگاه‌ها از طرف دولت‌ها نیز، با این استدلال که این قسمت از شهرها جز بخش رسمی شهر نیستند و تصرف آن غیر قانونی می‌باشد، مورد غفلت واقع شده‌اند. در این میان کلان‌شهر تهران گرچه از نظر دارا بودن بسیاری از مسائل و مشکلات نظیر سایر کلان‌شهرهای دنیا است، ولی از معضلات و پیچیدگی‌های خاص و منحصر به فردی رنج می‌برد که به طور عمده ریشه در توسعه نامتوازن کل کشور دارد. یکی از مهم‌ترین

این مشکلات رشد فزاینده جمعیت و ناکافی بودن زیرساخت‌ها و خدمات برای پاسخ-گویی به نیازهای جمعیتی در حال افزایش به ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی که کیفیت زندگی و میزان رضایت‌مندی از محیط زندگی را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ بنابراین، ضروری است در این سکونتگاه‌ها میزان رضایت از کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین عوامل نارضیاتی شناسایی شده و برای برطرف کردن این موارد اقدام گردد.

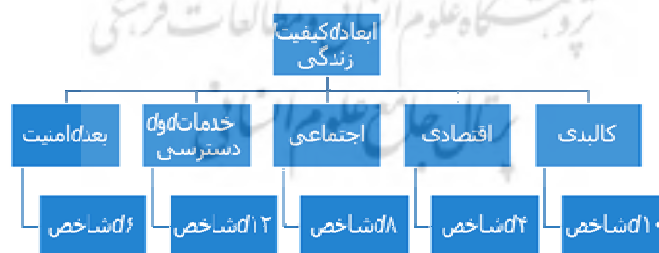
گوناگونی شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات کیفیت زندگی شهری بی‌شمار می‌باشند. این مسأله با توجه به چند بُعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی شهری امری بدیهی می‌باشد. عموماً فرض می‌شود که هر شاخص، بزرگی و اهمیت یک بُعد خاص از کیفیت زندگی شهری را منعکس می‌کند. این فرض بر این پایه استوار است که کیفیت زندگی شهری می‌تواند به مجموعه‌ای از اجزاء یا ابعاد تفکیک شود و اگر این اجزاء به درستی ترکیب شوند، در نتیجه یک ارزش یا امتیاز کلی برای کیفیت زندگی شهری می‌تواند به دست بیاید (لطفی، ۱۳۸۸).

مک لارن (۱۹۹۶) بیان می‌کند که، یک توافق عمومی وجود دارد که دو نوع مشخص از شاخص‌ها برای سنجش کیفیت زندگی مناسب هستند. نوع اول که شامل شاخص‌های عینی هستند که جنبه‌های ملموس محیط ساخته شده، محیط طبیعی و حوزه اجتماعی و اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند. نوع دوم که شاخص ذهنی است، یک بیان قابل اندازه‌گیری از حس رفاه افراد و رضایت‌مندی از یک جنبه خاص از زندگی می‌باشد (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۲۱). برای سنجش کیفیت زندگی و میزان رضایت‌مندی از آن سازمان‌ها و محققان مختلف شاخص‌های متفاوتی را به کار برده‌اند. در جدول زیر شاخص‌هایی که برای سنجش کیفیت زندگی به کار گرفته شده است آمده است:

جدول ۱- جنبه‌های کیفیت زندگی شهری در پژوهش‌های مختلف

منبع	جنبه‌های کیفیت زندگی شهری به کار رفته در پژوهش
Liu (1976)	۱- اقتصاد ۲- سیاست ۳- محیط زیست ۴- اجتماع ۵- آموزش
Boyer and Savageau (1981)	۱- آب و هوا ۲- مسکن ۳- محیط زیست و بهداشت ۴- جرم ۵- حمل و نقل ۶- آموزش ۷- هنر ۸- تفریح ۹- اقتصاد
Blomquist et al. (1988); Stover and Leven (1992)	۱- نزولات جوی ۲- تعداد روزهای گرم ۳- تعداد روزهای سرد ۴- رطوبت ۵- سرعت باد ۶- تابش آفتاب ۷- ساحل ۸- جرم ۹- نسبت معلم به شاگرد ۱۰- ذرات معلق ۱۱- مواد زاید
Sufian (1993)	۱- امنیت عمومی ۲- هزینه خوراک ۳- فضای زندگی ۴- استاندارد مسکن ۵- ارتباطات ۶- آموزش ۷- بهداشت عمومی ۸- آرامش ۹- جریان ترافیک ۱۰- هوای پاک
Human Dev. Index (UNDP, 1994)	۱- امید به زندگی ۲- نرخ بی‌سوادی بزرگسالان ۳- متوسط قدرت خرید
Protassenko (1997)	۱- درآمد ماهانه هر شخص ۲- توزیع درآمد ۳- مخارج خوراک ماهانه

در این پژوهش کیفیت زندگی در ۵ بُعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، دسترسی، خدمات و امنیت و دسترسی و امنیتی بررسی شده است که هر کدام از بُعدها دارای زیر معیار می‌باشند که در شکل (۱) مشاهده می‌شود:



شکل ۱- ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی پژوهش

اهمیت کیفیت زندگی به دلیل تأثیر مستقیم بر جامعه و نظام شهرداری، موضوع مورد مطالعه توسط کارشناسان در زمینه‌های مختلف بوده است (کامران، ۲۰۱۵). کیفیت زندگی محصول تاریخی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و

نمی‌توان آن را مجزا از ساختارهای فوق تبیین کرد؛ بنابراین، مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد و وضعیت آن به سطح توسعه یافتگی جوامع بستگی دارد و می‌توان آن را با طراحی و تدوین شاخص‌هایی، تعریف و اجرا کرد (شاه‌حسینی و توکلی، ۱۳۹۳). مطالعه کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری به گستره وسیعی از فرض‌هایی متکی است که گستردگی آنها به اندازه گوناگونی است که در کیفیت زندگی میان افراد، گروه‌ها یا مکان‌ها می‌تواند تشخیص داده شود و تدابیر تجویز شده می‌تواند یا باید تفاوت‌ها (اختلافات) را ریشه کن نماید. به هرحال میان برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران درباره تحقیق معنای کیفیت زندگی، اجزای منفردی که کیفیت زندگی را در بردارند (کیفیت زندگی از مجموع و تعامل آنها به دست می‌آید) و روشی که از طریق آن برنامه‌های ویژه، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشند، توافق اندکی وجود دارد. در عین حال در گزارشات و پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری بسیاری به مفهوم کیفیت زندگی شهری اشاره می‌شود، چه به عنوان نتیجه و حاصل پروژه و چه به عنوان بررسی وضعیت موجود (لطفی، ۱۳۸۸).

مفهوم کیفیت زندگی بسیار تفسیر پذیر و ابهام آور است و بنابر حوزه کاربرد و نوع مطالعه بسیار متفاوت است. مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو می‌رسد (۳۸۵ قبل از میلاد مسیح)، با این حال، این مفهوم تا قرن بیستم در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار نگرفته بود (گِلین و همکاران، ۲۰۰۹). مفهوم کیفیت زندگی شامل شرایط اساسی زندگی، از جمله غذای کافی، پناهگاه و ایمنی و همچنین «غنی‌سازی زندگی» است که بر اساس ارزش‌ها، باورها، نیازها و منافع فرد است (وهو-آیاکید، ۲۰۰۰). کیفیت زندگی امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به جهان است و مسائل اصلی در توسعه سیاست‌های اجتماعی است که شامل مسائلی مانند رفاه، کیفیت زندگی مبتنی بر سلامتی، رشد و رضایت زندگی، فقر و محرومیت اجتماعی و... است (فیلیپس، ۲۰۰۶). بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی درک افراد از موفقیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است. پس موضوعی کاملاً ذهنی بوده و توسط دیگران

قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی استوار است. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد (خادم‌الحسینی، ۱۳۸۹؛ به نقل از خواجه شکوهی و همکاران).

سکونتگاه‌های غیررسمی نشان‌دهنده یک پدیده جهانی است که بسیاری از کشورها در سراسر جهان از آن رنج می‌برند (خالیف، ۲۰۱۵). یکی از بزرگترین چالش‌هایی که کشورهای در حال توسعه امروزه با آن روبه‌رو هستند اسکان غیررسمی است (منشاوای، ۲۰۱۶). پدیده اسکان غیررسمی در کشورهای در حال توسعه از اواسط دهه ۱۹۹۰، به سرعت گسترش یافته است (شابات، ۲۰۱۶). در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی به صورت پنهانی شکل می‌گیرد و به ویژه در قرن ۲۱ به سرعت رشد یافته است. نیمی از جمعیت جهان در سکونتگاه‌های شهری زندگی می‌کنند. دلیل این پدیده مهاجرت مردم از مناطق روستایی به شهرها است (بلنسچک و لانگ، ۲۰۰۶). اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی از جمله پدیده‌هایی است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی اجتماعی مانند جریان سریع شهر نشینی و مهاجرت‌های روستایی لجام گسیخته در بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای جهان سوم پدیدار گردیده است. اسکان غیررسمی به شیوه مرسوم در ایران از دهه ۱۳۲۶ آغاز و تا اواخر دهه ۵۶ با شدت نسبتاً زیادی روند گسترش خود را طی نموده و بعد از انقلاب از لحاظ شدت شکل‌گیری به عنوان یکی از معضلات اساسی شهرهای ایران مطرح می‌شود (بیوکی و پورغلام، ۱۳۹۳). سکونتگاه‌های غیررسمی یک چالش بزرگ برای مدیران و برنامه‌ریزان شهرهای در حال توسعه در جهان است. عدم مداخله به طریقی که کیفیت زندگی ساکنین را بهبود می‌-

بخشد، منجر به ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود (بارری، ۲۰۰۵). سکونتگاه‌های غیررسمی پدیده‌ی رو به رشد در بسیاری از کشورها در حال توسعه است و تلاش برای ترویج استاندارد زندگی در این مناطق یک چالش کلیدی برای برنامه‌ریزان شهری در بسیاری از شهرهای قرن ۲۱ خواهد بود (گواایرتاتل، ۲۰۱۷).

این پدیده‌ای است نابه‌هنجار، که نسبت به بافت متداول شهر مشاهده می‌شود، تجلی فقدان برآورده شدن نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهر، به امید آنکه به فرصت‌های شغلی با درآمد مستمر شهری دسترسی پیدا نمایند، می‌پردازند و شامل افراد و خانوارهایی می‌شود که در محدوده فیزیکی و اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی هنوز جذب نظام شهری نشده و از بسیاری جهات با بافت اصلی شهر تفاوت دارند. به عبارتی از نظر اشتغال، سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامطلوب به سر می‌برند (شیبانی و غلامی، ۱۳۹۰). این سکونتگاه‌ها به مناطق شهری اشاره دارند که دارای مجوز قانونی نیستند (کیوفر و همکاران، ۲۰۱۶) و اغلب با مسکن متراکم و شرایط زندگی غیر استاندارد مشخص می‌شود. این اصطلاح به ارتباط نزدیک با اصطلاح «زاغه‌ها»، که به سکونتگاه‌هایی که ممکن است دارای مالکیت قانونی نباشند، عدم دسترسی آنها به آب و بهداشت، ازدحام زیاد، مسکن غیر استاندارد باشد اشاره دارد (یوان-هیتات، ۲۰۱۲).

بر اساس آخرین آمار وزرات راه و شهرسازی حدود ۱۱ الی ۱۳ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن می‌باشند که شامل تقریباً ۲۰ درصد جمعیت کشور می‌شود (سایت وزارت راه و شهرسازی). سکونتگاه‌های غیررسمی گونه‌ای از سکونتگاه‌های نابسامان، دو مشخصه اصلی دارند: نخست اینکه از نظر کالبدی (مسکن و زیرساخت‌ها) در برابر مخاطرات طبیعی به شدت آسیب‌پذیر و ناامن‌اند و دوم از نظر شهروندی وضعیت مبهمی دارند آنچه یک سکونتگاه غیررسمی را از

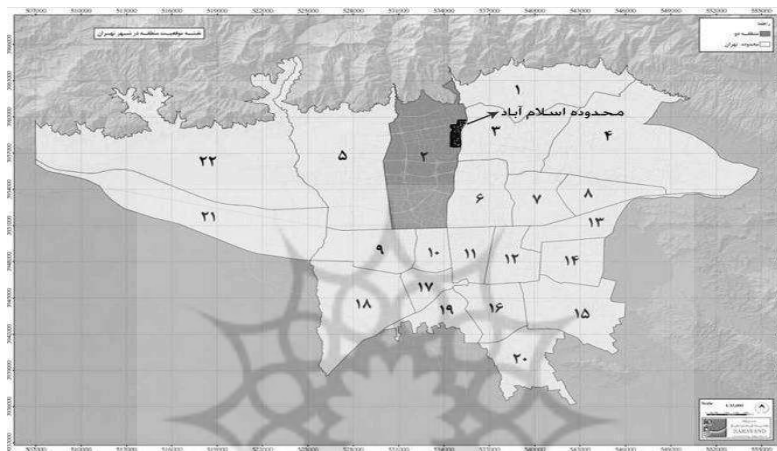
سکونتگاه‌های نابسامان متمایز می‌کند جدا افتادگی و گسست آن از ساختار اجتماعی اقتصادی و کالبدی شهر است در محله اسلام آباد این دو مشخصه وجود دارد.

داده‌ها و روش‌شناسی

این تحقیق از نوع کاربردی و به لحاظ نحوه تحلیل داده‌ها، توصیفی و تحلیلی است. ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق با استفاده از مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای صورت پذیرفت و برای به دست آوردن داده‌های مورد نظر پرسشنامه تنظیم گردید و سپس به منطقه مورد مطالعه مراجعه شد و توسط اهالی پر شد. سپس این پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا تعداد پاسخ‌دهندگان و درصد فراوانی آنها مشخص شد. برای سنجش نرمال بودن آمارها نیز آزمون کولموگروف - اسمیرنوف تک متغیره استفاده شد. در مرحله بعد با استفاده از آزمون تست تک متغیره (آزمون t) تمام شاخص‌های تحقیق سنجش شد و سطح آنها نسبت به میانگین اندازه-گیری شد و در نهایت میزان کل شاخص کیفیت زندگی به دست آمد. برای به دست آوردن شاخص‌هایی که بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی دارند نیز از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

اسلام‌آباد محله‌ای واقع در منطقه ۲ شهرداری تهران است، که از نظر جغرافیا از شمال به شهرک آتیساز و از جنوب به بزرگراه همت و از شرق به بزرگراه شهید چمران و از غرب به قسمتی از سعادت آباد و شهرک غرب محدود شده است. مساحت این محل حدود ۱۵۰ هکتار و جمعیت آن بالغ بر ۵۵۰۰ نفر و حدوداً ۹۵۰ خانوار ساکن این محله هستند. این محله جزء زمین‌های ده ونک بوده است که در دهه چهل با احداث بزرگراه شهید چمران (بزرگراه پارک وی) از زمین‌های اصلی ده ونک جدا شده است. اهالی قدیمی نام این محل را باغچال (باغ چاله) گذاشته‌اند چون در سطح پایین ده ونک قرار داشت. در قسمت غرب رودخانه‌ای که از این محل می‌گذرد، انتهای فرهنگ ۴ فعلی، آسیابی وجود داشته که اهالی ونک در قدیم از آن استفاده می‌کردند، آن قسمت به سرآسیاب معروف بوده است. چندین رشته قنات به نام قنات‌های مستوفی در این محل بوده که متأسفانه تمام این قنات‌ها از بین رفته و فقط یکی از این قنات‌ها که

به پارک گفتگو لوله‌کشی شده باقی مانده است. در ضمن باغ‌های بسیار زیبایی در این محل وجود داشته که متأسفانه با فرو ریختن دیوارهای گلی آنها تخریب شده و صاحبان باغ‌ها آنها را رها کرده و عده‌ای سودجو و دلال، باغ‌ها را به قطعات مسکونی تبدیل و به مردم فروخته‌اند.



شکل ۲- موقعیت مکانی و محدوده اسلام آباد در منطقه ۲ شهر تهران

(مأخذ: طرح تفصیلی منطقه ۲، سراوند، ۱۳۸۴)

روند شکل‌گیری و توسعه محله اسلام آباد

محدوده اسلام آباد در کمتر از ۴۰ سال از مجموعه باغات ده ونک به بافتی پر مسئله و بحرانی در دل کلان‌شهر تهران بدل شده‌است. تا سال ۱۳۳۵ اراضی ونک که اسلام آباد جزء باغات غربی آن بوده، شامل دو قسمت بوده است. یک قسمت ونک ارامنه نامیده می‌شد که بخش شرقی ونک را شامل می‌شود. پاره دوم ونک مستوفی نامیده می‌شد که بخش غربی را در بر می‌گرفته که از آن ده کنونی ونک و اسلام آباد بازمانده است. در این زمان محدوده ساخته شده در اطراف میدان مرکزی آن شکل گرفته و سایر نواحی آن و محدوده کنونی اسلام آباد به صورت قطعات بزرگ باغی و ویلاقی تقسیم شده است. در طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۴۵ پس از فوت مستوفی، زمین‌های ده ونک و اسلام‌آباد کنونی به ۲۹ سهم، میان ورثه تقسیم شد و فروش این اراضی (بر حسب عرصه که تملک مالکین بوده و یا همان اعیانی حق بهره برداری یا ریشه که جزء حقوق رعایا

بوده) شروع می‌شود. در اواسط دههٔ چهل شمسی اختلاف کهنه و قدیمی میان زارعان ونک از ارمنی و مسلمان با مالکان بروز کرد. در نتیجه نقشهٔ ثبتی که بر این اساس تهیه شد، به صاحبان حق عرصه و اعیان جداگانه سند داده شد؛ بنابراین، اکثر اراضی در محدودهٔ اسلام آباد کنونی دارای دو سند مالکیت عرصه و دیگری سند مالکیت اعیانی هستند. در این دوره به غیر از چند ویلای بزرگ مسکونی هیچ گونه ساخت و سازی در محدودهٔ اسلام آباد کنونی به وجود نیامده است.

هنوز اسلام آباد جزئی از ده ونک محسوب می‌شود و ساختار فضایی آن کاملاً مرتبط و متصل به ده ونک است. احداث مؤسسات بزرگ نظیر سایت‌های اداری، هتل هما و ... نیز در تقویت این بلوک متفاوت شهری مؤثر بوده است بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۸ مهم‌ترین تغییر ساختاری در محدوده، احداث اتوبان چمران است که از جانب غربی محدوده ده ونک، از میان باغات عبور می‌کند و اراضی کنونی اسلام آباد را از منطقهٔ ده ونک مجزا می‌سازد؛ سپس، طی سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۴، با تکمیل روند کلان‌شهری تهران و پر شدن اراضی خالی، هجوم سرمایه‌ها و گروه‌های اجتماعی ویژه به سمت اراضی تقریباً دست نخورده شمال خیابان ولیعصر و محدودهٔ اطراف دره اوین و اراضی اسلام آباد آغاز شد و نابسامانی‌های کالبدی به اوج رسیده و احداث بافت‌های ناهماهنگ، آلونک‌ها و بافت‌های نازل به وفور مشاهده می‌شود. تا کنون نیز علی‌رغم اقدامات جدی برای جلوگیری ساخت و سازهای غیرقانونی، تخریب باغات و اشغال اراضی ادامه یافته است. به دلیل بلا تکلیفی مالکین اراضی و عدم اقدام مقتضی از سوی شهرداری، بخش قابل توجهی از محدودهٔ طرح تفکیک و به صورت بافت‌های نابسامان و خودرو و آلونک ساخته شدند که موجب توسعهٔ هر چه بیشتر محدوده به سمت غرب اسلام آباد جنوبی گردید (میربهبشت و همکاران، ۱۳۹۲).

بحث

در این پژوهش با توجه به اینکه جمعیت محلهٔ اسلام آباد در حدود ۵۵۰۰ نفر بود برای تعیین حجم نمونهٔ مورد مطالعه از فرمول کوکران استفاده شد، که عدد ۳۵۱

به دست آمد و این تعداد پرسشنامه در محله توزیع شد که یافته‌های توصیفی آن به این شرح می‌باشد:

از پاسخ‌گویان به تعداد ۳۵۱ پرسشنامه، ۲۱۴ نفر مرد و ۱۳۷ نفر زن بودند، میزان تحصیلات پاسخ‌گویان ۳۱/۹ درصد ابتدایی، ۲۷/۴ درصد سیکل، ۲۳/۹ درصد دیپلم، ۱۶/۲ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۰/۶ درصد فوق لیسانس به بالا بودند. به لحاظ شغلی، ۲ درصد کارمند، ۴۰/۷ درصد شغل آزاد، ۸ درصد بیکار، ۲۳/۹ درصد بازنشسته، ۲۱/۴ درصد خانه‌دار و ۴ درصد محصل. دلایل ساکنان برای انتخاب این محله برای سکونت ۳۹ درصد به دلیل قیمت مسکن، ۲۲/۸ درصد به خاطر نزدیکی به محل کار، ۲۱/۴ درصد نزدیکی به خویشاوندان، ۰/۶ درصد امنیت و ۱۶/۲ درصد به خاطر سایر عوامل انتخاب نموده‌اند. به لحاظ مالکیت ۸۰/۱ درصد صاحب ملک و ۱۹/۹ درصد اجاره‌ای بوده‌اند. از نظر میزان مدت سکونت در این محله ۱۷/۴ درصد کمتر از ۵ سال، ۵/۷ درصد ۵-۱۰ سال، ۷/۴ درصد ۱۰-۱۵ سال، ۱۶/۲ درصد ۱۵-۲۰ سال و ۵۳/۳ درصد بیش از ۲۰ سال سکونت داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح هست بحث سند مالکیت است که در این مورد ۳۳/۹ درصد ساکنان دارای سند مالکیت بودن و ۶۴/۲ درصد فاقد سند مالکیت همچنین ۲ درصد نیز در مورد سند مالکیت چیزی اظهار نکرده‌اند. آخرین مورد درباره عمر منزل مسکونی می‌باشد که ۲ درصد ۱-۵ سال عمر دارند، ۳/۷ درصد ۵-۱۰ سال، ۴ درصد ۱۰-۱۵ سال، ۱۱/۱ درصد ۱۵-۲۰ سال و ۷۹/۲ درصد بیش از ۲۰ سال عمر دارند.

جدول ۲- محاسبه فراوانی

شرح	فراوانی	درصد	شرح	فراوانی	درصد
جنس			تحصیلات		
مرد	۲۱۴	۶۱	ابتدایی	۱۱۲	۳۱/۹
زن	۱۳۷	۳۹	سیکل	۹۶	۲۷/۴
شغل			دیپلم		
کارمند	۷	۲	فوق دیپلم و لیسانس	۵۷	۱۶/۲
ازاد	۱۴۳	۴۰/۷	فوق لیسانس به بالا	۲	۰/۶
بیکار	۲۸	۸	دلیل اصلی انتخاب محله		
بازنشسته	۸۴	۲۳/۹	قیمت مسکن	۱۳۷	۳۹
خانه دار	۷۵	۲۱/۴	نزدیکی به محل کار	۸۰	۲۲/۸
محصل	۱۴	۴	نزدیکی به خویشاوندان	۷۵	۲۱/۴
مالکیت مسکن			امنیت		
ملکی	۲۸۱	۸۰/۱	سایر	۵۷	۱۶/۲
اجاره‌ای	۷۰	۱۹/۹	مدت سکونت در محله		
سایر	۰	۰	کمتر از ۵ سال	۶۱	۱۷/۴
عمر منزل مسکونی			۵ - ۱۰		
۵-۱ سال	۷	۲	۱۰ - ۱۵	۲۶	۷/۴
۱۰-۵	۱۳	۳/۷	۱۵ - ۲۰	۵۷	۱۶/۲
۱۵-۱۰	۱۴	۴	۲۰ سال به بالا	۱۸۷	۵۳/۳
۲۰-۱۵	۳۹	۱۱/۱	سنددار بودن منزل مسکونی		
بیش از ۲۰ سال	۲۸۷	۲/۷۹	بله	۱۱۹	۳۳/۹
-	-	-	خیر	۲۲۵	۶۴/۱
-	-	-	نامعلوم	۷	۲

آزمون کلموگروف اسمیرونوف

برای اینکه بفهمیم توزیع این نمونه نرمال هست یا نه از آزمون کلموگروف اسمیرونوف استفاده کردیم و به این ترتیب نتایج به شرح زیر به دست آمد:

جدول ۳- آزمون کلموگروف- اسمیرونوف

امنیت	دسترس و خدمات	اجتماعی	اقتصادی	کالبدی	شاخص
۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	۳۵۱	تعداد
۱/۳۸۱	۱/۸۶۲	۱/۰۸۷	۱/۷۲۳	۱/۰۰۱	اماره کلموگروف - اسمیرونوف
۰/۱۴۴	۰/۴۴۷	۰/۱۸۸	۰/۱۷۱	۰/۲۶۹	معیار تصمیم

با توجه به اعداد به دست آمده برای معیار تصمیم که معمولاً برابر عدد ۰/۰۵ می‌باشد، در صورتی که اعداد به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ درصد باشد نشان‌دهنده عدم توزیع نرمال متغیرها می‌باشد در حالی که همه اعداد به دست آمده در جدول بالا بیشتر از ۰/۰۵ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده توزیع نرمال متغیرها است. در صورت اینکه توزیع داده‌ها نرمال باشد می‌توانیم از آزمون‌های پارامتریک برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده کنیم؛ به این منظور در این پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای و رگرسیون خطی استفاده شد.

آزمون t تک نمونه‌ای

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای، در آزمون T تک نمونه‌ای، چنانچه حد بالا و حد پایین هر دو مثبت باشند، بدین معنی است که میانگین جامعه در مورد آن متغیر بیشتر از مقدار مورد آزمون می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری برای هر پنج شاخص مورد نظر کمتر از خطای در نظر گرفته شده (که ۰/۰۵ درصد می‌باشد) است، می‌توان نتیجه گرفت که رضایت از شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی به جز دسترسی و خدمات پایین‌تر از میانگین در نظر گرفته شده (که عدد ۵۰ می‌باشد) برای سنجش می‌باشد. در این میان شاخص اقتصادی با میانگین ۱۷/۴۰۷ درصد بیشترین میزان نارضایتی در بین افراد نمونه را دارد؛ همچنین، امنیت با میانگین ۲۳/۷۶۱ درصد در رتبه دوم نارضایتی قرار دارد و شاخص اجتماعی با ۲۵/۴۷۰ درصد، شاخص کالبدی با ۳۳/۸۳۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در این میان فقط دسترسی و خدمات با ۵۱/۸۲۱ درصد تقریباً بالای میانگین هست. با توجه به اینکه که در نظریات مربوط به سکونتگاه‌های

غیررسمی عامل اصلی ایجاد اینگونه سکونتگاه‌ها عوامل اقتصادی و کمبود درآمد بیان می‌شود با توجه به نتایج به دست آمده این مسئله کاملاً تأیید می‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای شاخص‌های کیفیت زندگی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت در سطح ۰/۹۵ فاصله اطمینان	
								پایین‌ترین	بالا‌ترین
کالبدی	۳۵۱	۳۳/۸۳۴	۱۳/۴۶	۰/۷۱۸	۱۱۷/۳۶۲	۳۵۰	۰/۰۰۰	۳۳/۲۶۹	۳۴/۴۰۰
اقتصادی	۳۵۱	۱۷/۴۰۷	۱۸/۲۶	۰/۹۴۷	۱۱۱/۶۰۳	۳۵۰	۰/۰۰۰	۱۷/۱۰۰	۱۷/۷۱۴
اجتماعی	۳۵۱	۲۵/۴۷۰	۸/۴۸	۰/۴۵۲	۱۵۸/۶۷۹	۳۵۰	۰/۰۰۰	۲۵/۰۱۵	۲۵/۷۵۶
دسترسی و خدمات	۳۵۱	۵۱/۸۲۱	۱۰/۲۳	۰/۵۵۱	۲۰۱/۷۰۴	۳۴۳	۰/۰۰۰	۵۱/۳۲۰	۵۲/۳۳۱
امنیت	۳۵۱	۲۳/۸۶۱	۹/۶۳	۰/۵۱۹	۱۹۰/۶۷۲	۳۴۳	۰/۰۰۰	۲۳/۵۱۶	۲۴/۰۰۶

تحلیل رگرسیون

یکی از پیش‌فرض‌های رگرسیون خطی این است که توزیع داده‌های متغیرها باید نرمال یا نزدیک به نرمال باشد. برای پی بردن به این مسئله از آزمون کومولوگراف-اسمیرنف تک نمونه‌ای استفاده شده است و با توجه به باقی‌مانده طبقات مشخص گردید که، داده‌ها نرمال بوده و دارای یک تناسب آماری نرمال هستند. رگرسیون خطی یکی از تکنیک‌های پیچیده آماری است و به دو نوع رگرسیون خطی ساده (دو متغیره) و چند متغیره تقسیم می‌شود. رگرسیون خطی دو متغیره به پیش‌بینی مقدار یک متغیر وابسته بر اساس مقدار یک متغیر مستقل می‌پردازد؛ اما رگرسیون چند متغیره روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی در یک یا چند متغیر مستقل (X) در یک متغیر وابسته (y) از آنجایی که وظیفه اساسی علم پیش‌بینی یا تبیین پدیده‌هاست؛ بنابراین، بر مطالعاتی که بر پیش‌بینی و تبیین ناظرند، تحلیل رگرسیون می‌تواند نقش بازی کند. تحلیل رگرسیون دو متغیره می‌تواند برای شناسایی سهم ابعاد مختلف در کیفیت زندگی و ایجاد مدل علی که برهم کنش بین آنها را نشان دهد، مورد استفاده قرار گیرد. تحلیل رگرسیون چندگانه برای شناسایی قلمروهای غالب زندگی به کار گرفته شده است. ضرایب رگرسیون، سهم نسبی هر قلمرو را در کیفیت زندگی نشان می‌دهند.

جدول ۵- ضرایب تأثیر رگرسیونی ابعاد کیفیت زندگی در رضایت مندی

Model	F	Unstandardized Coefficients	Standardized Coefficients	.Sig
		B	Beta	
Constant	-	۱/۶۱۰	-	۰,۰۰۰
عوامل کالبدی	۳۳۸/۵	۱	۰/۴۹۸	۰,۰۰۰
عوامل اقتصادی	۱۷۵/۶	۱	۰/۲۷۴	۰,۰۰۰
عوامل اجتماعی	۱۷۶/۳	۱	۰/۲۵۷	۰,۰۰۰
خدمات و دسترسی	۲۷۴/۷	۱	۰/۴۴۶	۰,۰۰۰
امنیت	۱۴۷/۲	۱	۰/۲۱۶	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴) ضریب بتای عوامل کالبدی با مقدار ۰/۴۹۸ بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی ساکنان دارد. بعد از عوامل کالبدی، خدمات و دسترسی با بتای ۰/۴۴۶ بیشترین تأثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارد عوامل بعدی به ترتیب اقتصادی با بتای ۰/۲۷۴، اجتماعی با بتای ۰/۲۵۷، امنیت با بتای ۰/۲۱۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نتیجه‌گیری

امروزه کیفیت زندگی شهری به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری است، بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه‌ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوان راهکارهای بهینه‌ای را برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب مانده از منظر شاخص‌های مورد بررسی بیابند.

کیفیت زندگی در نواحی شهری، به دنبال دسترسی عادلانه شهروندان به تسهیلات و خدمات شهرنشینی و افزایش رضایت آنان از زندگی شهری است. با توجه به این که سکونتگاه‌های غیررسمی از طرف سازمان‌های دولتی و خدمات‌رسان به رسمیت شناخته نمی‌شوند این نوع سکونتگاه‌ها به لحاظ خدمات‌رسانی و کالبدی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند. مهم‌ترین نتایج حاصل از بررسی کیفیت زندگی در محله اسلام آباد که یک سکونتگاه غیررسمی می‌باشد به شرح زیر است:

بیش از ۹۵ درصد ساکنان این محله مهاجرانی هستند که از استان‌های مختلف در این محله مستقر شده‌اند. بیش از ۶۰ درصد ملک‌هایی که اهالی این محله در آن ساکن هستند فاقد سند می‌باشد که این موضوع غیررسمی بودن این سکونتگاه‌ها را تأیید می‌کند. حدود ۸۰ درصد از مساکن بالای ۲۰ سال عمر دارند و از این امر به این مسئله می‌توان پی برد که قدمت این سکونتگاه غیررسمی زیاد می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون t در این تحقیق نشان می‌دهد عوامل اقتصادی بیشترین نارضایتی را در بین ساکنان دارا می‌باشد. بررسی شغل ساکنان گویای این مسئله هست که تنها ۲ درصد ساکنان در بخش رسمی مشغول هستند و اکثراً در بخش‌های غیررسمی اشتغال دارند و این امر می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. در مورد امنیت نیز میزان رضایت پایین می‌باشد و دلیل اصلی این امر نیز مهاجر بودن اکثر ساکنان محله است و وجود مخروبه‌ها و فضاهای خالی نیز به این امر دامن می‌زند.

علت پایین بودن میزان رضایت از عوامل اجتماعی نیز به مانند عامل امنیت غیرهمگون بودن بافت اجتماعی محله اسلام آباد می‌باشد. با این که روابط همسایگی در چنین محله‌هایی نسبتاً بهتر می‌باشد ولی به دلایل مختلف هم‌چون وجود قومیت‌های مختلف، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و... وضعیت اجتماعی مناسب نمی‌باشد. در بحث عوامل کالبدی نیز می‌توان به عرض کم معابر، ساخت و سازهای بی‌ضابطه، منظر بد ساختمان‌ها که بدون نما و هرگونه عوامل زیبایی شناختی می‌باشند که نارضایتی اهالی محله اسلام آباد را منجر شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیونی عوامل کالبدی بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی ساکنان دارد که در صورت بهبود عوامل کالبدی و نیز خدمات می‌توان در این محله میزان رضایت‌مندی را بالا برد.

فهرست منابع

۱. بیوکی، جلال. پورغلام، هادی. (۱۳۹۳). رویکرد راهبردی به ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهرهای کشور (مطالعه موردی: شهرک نوده مشهد). ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد ۲۱ و ۲۲ آبان.
۲. خادم‌الحسینی، احمد. منصوریان، حسین. ستاری، محمد حسین. (۱۳۸۹). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ۱، شماره ۳، بهار.
۳. خواجه شاهکوهی، علیرضا. مهدوی، شهرام. صوری، فرشاد. صمدی، رضا. (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر کاشان). دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، پاییز و زمستان.
۴. سادات میربهشت‌مقام، حمیده. شیخی، محمد. مدیری، آتوسا. (۱۳۹۲). سنجش میزان انطباق‌پذیری ویژگی‌های اسلام آباد ده ونک (منطقه ۲ تهران) با مشخصه‌های اسکان غیررسمی بر مبنای مدل تحلیل شبکه‌ای (ANP). فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ۶، شماره ۱۹، تابستان.
۵. شاه حسینی، پروانه. توکلی، هانیه. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران. فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۴.
۶. شیبانی امین، عیسی. غلامی، محمد. (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی، علل، پیامدها و راه حل‌ها (مورد مطالعه: شیرآباد زاهدان). سومین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۳۱ فروردین و ۱ اردیبهشت.
۷. صادقی، یدالله. دویران، اسماعیل. (۱۳۹۱). تحلیل سطوح و عوامل ناامنی در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: شهر زنجان). فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال ۱، شماره ۴، پاییز.
۸. لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۴، صص ۸۰-۷۵.
9. Barry, M. Ruther, H. (2005). **Data Collection Techniques for Informal Settlement Upgrades in Cape Town, South Africa.** URISA Journal. vol.17, No.1.2005.

10. Blaschke, T., & Lang, S. (2006). **Object based image analysis for automated information extraction – A synthesis**. In Paper presented at the Measuring the Earth II ASPRS Fall Conference.
11. C.M. Gevaert a,†, C. Persello a, R Sliuzas b, G. Vosselman(2017) **Informal settlement classification using point-cloud and image-based features from UAV data**. ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing 125 (2017) 225–236.
12. Darkey,D. Visagie,J(2013). **The more things change the more they remain the same: A study on the quality of life in an informal township in Tshwane**. Habitat International 39 (2013) 302-309.
13. Geelen, L., et al. (2009). **Confronting environmental pressure, environmental quality and human health impact indicators of priority air emissions**. Atmospheric Environment, 43, 1613-1621.
14. Kamran ,J(2015) **Investigating the affecting factors on quality of life in informal settlements’ neighborhoods, with an emphasis on the Islamabad neighborhood in Zanzan**. Ciencia eNatura, Santa Maria, v. 37 Part 1 2015, p. 286–297. ISSN impressa: 0100-8307 ISSN on-line: 2179-460X.
15. Kuffer, M., Pfeffer, K., Sliuzas, R., (2016). **Slums from space— 15 years of slum mapping using remote sensing**. Remote Sens. 8 (6), 455.
16. Majale, M. (2008). **Employment creation through participatory urban planning and slum upgrading: the case of Kitale, Kenya**. Habitat International, 32, 270-282.
17. Margaret,M.S(2006). **A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, oornkop,Soweto** Habitat International 30 (2006) 175–189.
18. Menshawy,a.l.shafik,s .khdr.f(2016) **Affordable Housing as a Method for Informal Settlements Sustainable Upgrading** Procedia - Social and Behavioral Sciences 223 (2016) 126 – 133.
19. Nassar,D M. Elsayed,H G(2017). **From Informal Settlements to sustainable Communities**, Alexandria Engineering Journal (2017).

20. Phillips, David, **Quality of life concept**, policy and practice, London, Rutledge 2006, p. p. 276.
21. Shabat, A. M., & Tapamo, J.-R. **A comparative study of the use of local directional pattern for texture-based informal settlement classification**. Journal of Applied Research and Technology (2017).
22. Soyinka, O . Michael, K W(2017). **Investigating informal settlement and nrastructure adequacy for future resilient urban center in Hong Kong, SAR**, Procedia Engineering 198 (2017) 84 – 98.
23. Westaway, M.,S. (2006). **A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement**, Doornkop, Soweto. Habitat International, 30, 175-189.
24. WHO-IASSID WORK PLAN (2000). **Quality of Life its Conceptualization easurements and Application. A Consensus Document**. The Special Interest Research Group on Quality of Life. The International Association for the Scientific Study of Intellectual.